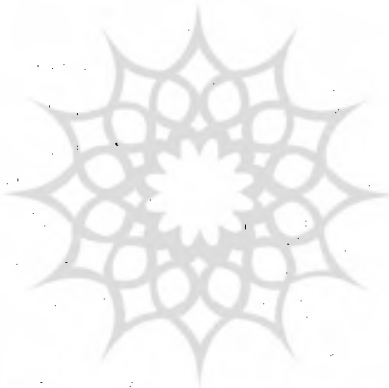


به حساب آمد (مجالس النفايس / ۶۰ و ۲۳۲ و مقدمه رساله) و به شعر و شاعری نیز پرداخته است (نفیسی / ۶۸۲ و ۳۱۰ فهرست کتب خطی مجلس ج ۳ / ۵۰)

«بنایی» نام شعری او بوده که مأخوذ از شغل پدرش است (بینش و صفوت / پنج) لیکن تخلص دیگری به نام «حالی» نیز داشته است که دیوان او با این تخلص، حاوی تتبع سبک و اشعار حافظ و سعدی است. (حبیب السیر / ۳۴۹). در کنار همه اینها، به موسیقی توجه و علاقه کامل داشته و در مدتی اندک نزد اساتیدی که نامشان مجهول مانده، موسیقی را آموخته و در فن ادوار دو رساله نوشته است (مجالس النفايس / ۶۰). و گذشته از نظری دانی، از بزرگان اهل عمل و اجرا

این مقاله، برای بنیاد دایرة المعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام) نوشته شده، و نظر به دسترس نبودن مجلدات دایرة المعارف برای اهل موسیقی، ابتدا در این جا چاپ می شود. به تحقیق و یقین، این نخستین مقاله ای است که مستقلاً درباره علی بن محمد (بنایی صاحب رساله موسیقی بنایی) نوشته شده است (مقام)

از مردم میانه و متولد در هرات (مجالس النفايس / ۲۳۲) و فرزند استاد محمد سبزمعمار (نفیسی / ۶ و دیگر مراجع) و با نام دیگر کمال الدین شیرعلی بنایی هروی (نفیسی / ۳۱۰) تحصیلات متداول زمان خود را تمام کرده و نخست به خطاطی پرداخته است، چنانکه در فن خوشنویسی از بزرگان



علی بن محمد معمار بنایی

خوشنویس،

موسیقی ردیف و دستگاهی
موسیقی در ایران

• نوشته و تحقیق: سیدعلیرضا میرعلی نقی شاعر،

موسیقیدان و آهنگساز

نیز بوده و در ساختن انواع اشکال و صور متداوله موسیقی مهارت داشته است (مجالس/ ۲۲۲). سپس طریق فقر و فنا اختیار کرده، سر ارادت بر آستان شیخ شمس الدین محمد لاهیجی پیشوای صوفیه نوری بخشی فارس نهاد و اشعاری در مدح او سرود (بینش و صفوت/ شش- هفت). طبق مکتوبات باقی مانده، به عجب و تکبر و ریا در بین مردمان مشهور و مشهور خلق واقع شد (مجالس/ ۶۰) و نسبت «بی پیر» هم به وی داده اند (همان/ ۶۰) و از آن روی از هری به عراق رفت و از عراق به آذربایجان و در تبریز، ملازم و مصاحب سلطان یعقوب خان بن اوزون محسن آق قویونلو شد (مجالس/ ۲۲۲ و حبیب السیر/ ۳۴۸). بعد از مرگ یعقوب دوباره به هرات

بازگشت و در دستگاه میرنظام الدین علیشیر نوائی مقیم شد (حبیب السیر/ ۳۴۸). بنائی رفت و آمدها و مهاجرت های مکرر به دربار امیرعلیشیر نوائی داشت و علت قبول و نفی متواتر او را، هرزالی و اهاجی مدام او از میرعلیشیر دانسته اند (ریحانة الادب/ ۲۸۲ و سایر مراجع) تا این که از خوف مجازات علیشیر، هرات را ترک کرد و به خدمت سلطانعلی میرزاین احمد میرزاین السلطان ابوسعید تیموری (والی بخشی از ماوراءالنهر آن زمان) درآمد. بعد از آنکه قندهار به دست محمدخان شیبانی یا شیبیک خان اوزبک تسخیر شد، بنائی نیز به او پیوست و هنگامی که شاه اسمعیل صفوی به خراسان حمله کرد و کشتار دست جمعی اهالی را آغازید، در جنگ



نزدیک مرو، شیبک کشته شد و پس از آن، بنائی همراه تیمور سلطان فرزند شیبک خان به ماوراءالنهر رفت (بینش و صفوت/ هفت) و سرانجام در حمله ای که امیریار احمد اصفهانی ملقب به امیرنجم ثانی وزیر اعظم شاه اسماعیل به ماوراءالنهر داشت، در قتل عام آنجا کشته شد (حبیب السیر/ ۳۴۹). تاریخ تولد او مشخص نیست. اما تاریخ قتل او را ۹۱۸ هـ (ریحانة الادب/ ۲۸۲) و ۹۲۲ هـ (نفیسی/ ۶) نوشته اند.

از دیوان بنائی، نسخه ای در کتابخانه موزه عارف حکمت شهر مدینه (عراق) و نسخه دیگری نزد یحیی ذکاء موجود است و ذبیح الله صفا نیز نسخه دیگری از آن را که در سال ۹۳۴ در شیراز کتابت شده، در کتابخانه ملی پاریس نشان داده است (بینش و صفوت/ شش). منتخب آن در کتابخانه بوعلی همدان هست که توسط اسدالله مصطفوی در سال ۱۳۵۱ چاپ شده است (همان). نام او در مجموعه های خطی ای که حاوی تذکره) و مجمع الدواوین شعرای قدیم است، دیده می شود (فهرست کتب خطی مجلس - ج ۳/ ۲۵۶-۲۵۷ و فهرست کتب خطی مجلس - ج ۸/ ۵۳-۵۰). قصیده به زبان مروزی به نام مجمع الغرایب در مدح سلطانعلی میرزا از اوست (نفیسی/ ۳۱۰) و در زمان شیبک خان لقب ملک الشعرائی را دریافت داشته است. وی در قصیده و غزلی و مثنوی دست داشته و دیوان او در حدود شش هزار بیت است (ریحانة الادب/ ۲۸۲). منظومه بهرام و بهروز به نام سلطان یعقوب از اوست و مثنوی دیگری به نام شبانی نامه در شرح فتوحات و مناقب شیبک خان دارد، چنانکه «قاضی عسگر و صدر محترم» او نیز بوده است (مجالس النفاثین/ ۲۳۳) قدما اشعار و آثار او را در بلاد خراسان و ماوراءالنهر، «مشهور» دانسته اند (حبیب السیر/ ۳۴۹) اما شهرت مجدد بنائی در بین افاضل دهه اخیر، مرهون احیای مقام موسیقیدانی اوست که با کشف تنها نسخه باقی مانده از رساله موسیقی مشهور او، به انتشار رسید. این نسخه مضبوط در کتابخانه یوسف تیری، به کوشش نصرالله پور جوادی، داریوش صفوت و نفی بینش به صورت چاپ عکسی طبع شد و با مقدمه صفوت-بینش و الحاقاتی که بینش در انتهای کتاب اضافه کرده و تطابق اصطلاحات موسیقایی زمان بنایی را با اصطلاحات امروز (نارسی-انگلیسی) انجام داده، رساله را قابل فهم و درک می کند. قدما همگان بر مقام رفیع موسیقیدانی بنائی تأکید داشته اند و گاه برای او «دو» رساله قائل شده اند (مجالس النفاثین/ ۶۰). رساله فعلی او مشتعل بر «دو مقاله» به اضافه یک مقدمه و یک خاتمه است و ممکن است با فرض قبلی منطبق باشد ولی به هر حال در اصالت و نفاست نسخه حاضر تردید نیست و مادام که نسخه دیگری به دست نیامد باید آن را نسخه منحصر به فرد رساله موسیقی بنائی دانست (بینش و صفوت/ بیست و دو). برای بنائی مقام آهنگسازی نیز قائل شده اند (مجالس النفاثین/ ۶۰ و نفیسی

۳۱۱) در ساختن «انواع تصانیف و نقشها و نغمها و پیشرو» های معروف در بین مردمان (مجالس النفاثین/ ۲۳۲). و همین ذوقنوی یا جامع العلم والعمل بودن بنائی، اصالت نظرات و نوشته های او را مهر تأیید می نهد. مقدمه رساله بنائی، خطبه ای دارد که موجز و دارای صنعت براعت استهلال در استفاده از اصطلاحات موسیقایی است. (رساله/ ۶-۱) مقدمه رساله با تعریف موسیقی آغاز می شود (رساله/ ۶-۱) و بعد از توضیحی درباره نغمه، حدت و نقل (زبری و بیعی) به تعریف «بعد» (فاصله) می رسد و با بیان «جمع» و «تألیف» ملایم، ذکری از «انف» (بالادسته) و «مشط» (به معنی شانه و مجازاً: پائین دسته یا خرك» به میان آمده و با شرح تقسیم وتر (رشته یا سیم) به هفده جزء یا نغمه پایان می یابد که در حقیقت، در تداوم نظرات صفی الدین ارموی (متوفی ۶۵۶ هـ) است. قسمت اصلی و مهم رساله بنائی، همان مقاله اول است که چندین فصل را در بر دارد: در تقسیم ابعاد، تعریف ابعاد متنافر و متفق، اسباب تألیف و تنافر ملایم، تحقیق دورها، مشهور و غیر مشهور و اسامی هشتاد و چهار دایره که امتیازی است برای رساله بنائی نسبت به رسالات متقدم آن، در بیان استخراج عود و اصطحاب آن، در بیان دوایر اصلیه، تشارک نغم ادوار، بیان کیفیت استخراج طبقات دوایر مشهوره از اجزاء وتر، بیان آوازات، اسامی آوازات سته (ششگانه)

[که تقی بینش اسامی آنها را با اسامی امروز در ردیف دستگاههای موسیقی ایرانی تطبیق داده است (رساله/ پانزده- شانزده)].

مقاله دوم رساله بنائی در علم ایقاع [وزن و ضرب] است که در فصل اول این مقاله، از ارکان نقرات (وتد، سبب و فاصله) بحث شده و با عنوان «در تقریر مقامات ایقاع» آمده است. عنوان فصل بعد: «ادبیات ایقاعات دوریه مستعمل میان ارباب صناعات عملیه» است و منظور، دورها یا آهنگهایی که از ترکیب ارکان نقرات می توان ایجاد کرد. در فصل دیگر (ارشاد به کیفیت طریق استخراج الحان از وتر)، اطلاعاتی درباره کوك سیم، روش نوازندگی و انواع لحن در بر دارد (رساله/ ۱۲۳-۱۲۴) و از لحاظ اصول نظری اجرا مهم است. دستور دیگر درباره سرایش کتابت قطعه موسیقی است (رساله/ ۱۲۴) و در فصل دیگر، چند قسم الحان موزون را شرح می دهد (رساله/ ۱۲۵-۱۲۷) نظرات بنائی در موسیقی، هر چند بدیع نیست، لیکن در تداوم نظرات موسیقیدانان بزرگ قبل از او نظیر عبدالقادر مراغی و صفی الدین ارموی است. نکته جازز اهمیت درباره رساله او، امتیاز آهنگی و رعایت اختصار و ایجاز و زودفهمی مطالب است، به اضافه خوشنویسی کم نظیر رساله که با دو رنگ متمایز سپاه و سرخ (دوده و شنگرف) نوشته شده و آن را از لحاظ خوشنگاری نیز ممتاز می کند. ممارستی که کاتب این نسخه انحصاری در زیبانگاری منجم کلمات با استفاده از

قوانین توازن یا هندسه سطریندی و استقامت خطوط معمول داشته، بیشتر عنایت به شکیل بودن و کرسی نشانی کلمات است، نه رسم الخطی ثابت (بینش و صفوت / بیست و یک) و از آن دو می توان با مطالعه دقیق، اصول کلی زیباشناختی این رشته از هنرهای قدیم ایرانی را به دست آورد. امانت بنائی در شرح اقوال بزرگان قبل از او و نقل مطالبی که انحصاراً متعلق به این رساله است (از قبیل ادوار هشتاد و چهارگانه)، مقام بنائی و رساله او را در تاریخنگاری موسیقی قدیم ایران، مؤکد می کند و اهمیت این اثر، از آن است که تنها نسخه از رساله اصیل و پرمحتوایی در فن موسیقی، بعد از دوره فترت و تفکیک تاریخی-اضطراری علم و عمل در سیر تطور موسیقی ایران است.

□ فهرست مراجع:

۱. بنائی [علی بن محمد معمار]. رساله در موسیقی. (به اهدای دکتر یوسف نیری، مقدمه نصرالله پورجوادی، شرح و توضیح: تقی بینش و داریوش صفوت). تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸، ۱۷۶ ص.
۲. خواندمیر (غیاث الدین بن هماد الدین بن الحسینی). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر (ج ۴). تهران، خیام، بی ت، ۷۹۶ ص: ۲۸۶-۲۸۷، ۳۴۸-۳۴۹، ۳۷۶، ۳۷۷.
۳. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی [ج ۳ / مطبوعات کتابخانه]. به کوشش یوسف اعتصامی (اعتصام الملک). تهران، مطبعه مجلس، ۱۳۱۱، ۵۳۸، ۲۵۶-۲۵۷.
۴. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی [ج ۸ / کتب خطی-فارسی منظوم]. به کوشش فخری راستکار. تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۴۷، ۴۷۲، ۵۰-۵۳.

